



ترامپ با قراردادن سعودی و کشورهای عربی در موقعیت معمای امنیت، ۱۰۰۰ میلیارد دیگر از بن سلمان طلب کرد

بمباران در دوحه، فروش سلاح در کاخ سفید



اولین سفر ولیعهد عربستان بعد از قتل جمال خاشقچی به ایالات متحده، دو محور مهم داشت. اگرچه در این دیدار بازهم پای جمال خاشقچی وسط آمد و بن سلمان هم در پاسخ خبرنگار در مورد این اتفاق، این طور پاسخ داد که «این موضوع دردناک است و یک اشتباه بزرگ بود»، با این حال همکاری نظامی آمریکا با عربستان که ترامپ آن را به عنوان «اصلی ترین متحد غیرناتویی آمریکا» معرفی کرد، یکی از محوری ترین بخش های این سفر بود که بیشترین واکنش منفی را از جانب اسرائیل به همراه داشت. علاوه بر این، احتمال پیوستن عربستان به پیمان نامه ابراهیم در این سفر هم تقویت شد که اگرچه رسانه های سعودی اظهار نظر بن سلمان در مورد تمایل به نتیجه رسیدن توافق را سانسور کردند؛ اما به نظر می رسد درحالی که رسانه های سعودی خرید جنگنده از آمریکا را یک دستاورد پیرومندانه برای عربستان می خوانند، ولی آمریکایی ها در ازای فروش این سلاح امتیازهای بیشتری به دست می آورند. سرمایه گذاری عربستان در آمریکا و پیوستن ریاض به توافق نامه ابراهیم و واکنش به خرید جنگنده ها نشان می دهد اسرائیلی ها چندان از این سفر خوشند نیستند.

توافق نامه دفاعی استراتژیک ریاض

رئیس جمهور آمریکا عصر سه شنبه در ضیافت شام مشترکی که با بن سلمان برگزار کرده بود، خبر از امضای «توافق نامه دفاعی استراتژیک تاریخی» با عربستان داد. آن طور که کاخ سفید اعلام کرده «این توافق بودجه های جدیدی تقسیم بار از عربستان سعودی برای تأمین هزینه های آمریکا را تضمین می کند.» کاخ سفید البته مدعی شده این توافق امنیت را در خاور میانه تضمین می کند. این ادعا در حالی مطرح می شود که در روزهای گذشته خبر خرید ۴۸ فروند جنگنده اف ۳۵ آمریکایی از جانب ریاض در رسانه ها منتشر شد. گفته می شود عربستان چند میلیارد دلار برای خرید جنگنده های اف ۳۵ پول پرداخت کرده است. علاوه بر این عربستان درخواست خرید ۳۰۰ تانک آمریکایی را هم مطرح کرده که آن طور که کاخ سفید اعلام کرده «از پایگاه صنعتی آمریکا پشتیبانی می کند و البته شغل هم ایجاد می کند.»

همکاری هسته ای هم وجهی دیگر از این توافق است. آن طور که کاخ سفید اعلام کرده، دو کشور بیانیه ای در مورد همکاری در زمینه انرژی هسته ای امضا کردند که «یک همکاری چند میلیارد دلاری چند دهه ای مبتنی بر استانداردهای قوی عدم اشاعه» را تعیین می کند. این توافق البته سطوح دیگری همچون فناوری هوش مصنوعی را هم شامل می شد. میزان سرمایه گذاری عربستان در آمریکا هم که پیش از این ۶۰۰ میلیون دلار اعلام شده بود به رقم یک میلیارد دلاری رسیده است. امضای این توافق از چند وجه مورد توجه قرار دارد:

۱- استفاده از پول های کشورهای عربی برای سرمایه گذاری در آمریکا، روش ترامپ است. آمریکا پیش از این قراردادی با نام سرمایه گذاری راهبردی با امارات امضا کرده بود. در جریان سفری که ترامپ به کشورهای حاشیه خلیج فارس داشت قراردادی ۲۰۰ میلیارد دلاری بسا امارات امضا کرده بود. علاوه بر آن قراردادی هم به ارزش ۲۴۳ میلیارد دلار با قطر امضا کرده بود و نهایتاً آورده مالی این سفر برای ترامپ و پس از آن آمریکا، ۱٫۴ تریلیون دلار تخمین زده می شد. طبیعتاً عربستان

پروژه شرطی سازی افکار عمومی ایران ادامه دارد

بازی روانی هماهنگ عون، ترامپ و بن سلمان



علی ملکی
میرنگار گروه سیاست

هم زمانی دو ادعایی که روز سه شنبه علیه ایران مطرح شد «تصادفی» نیست. ابتدا جوزف عون، رئیس جمهور لبنان مدعی شد در دیدار مردامه با علی لاریجانی با «لحنی تند» سخن گفته و به او یادآور شده که «اداره جامعه شیعی لبنان» با اوست. به موازات این ادعا، محمد بن سلمان و دونالد ترامپ در دیدار اخیرشان مدعی شدند ایران «در پی توافق» است و «فرایند مذاکره» آغاز شده است. ترامپ گفت پیام هایی از تهران دریافت شده و بن سلمان نیز ادعا کرد عربستان برای تحقق این توافق تلاش خواهد کرد. این روایت بلافاصله با هدف نمایش «چرخش ایران» در رسانه های آمریکایی و سعودی برجسته شد اما لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال که مذاکرات ایران با غرب را پوشش می دهد گفت «مذاکره ای در جریان نیست» و «حرف های ترامپ با واقعیت فاصله زیادی دارد».

وزارت امور خارجه ایران این سناریو را از اساس رد کرد: «هیچ فرایند مذاکراتی میان ایران و آمریکا وجود ندارد» و توضیح داد پیام رئیس جمهور ایران به بن سلمان صرفاً در باره «مسائل دوجانبه» و «همکاری های حج» بوده و هیچ ارتباطی با مذاکره یا میانجی گری ندارد. این دو سناریو به عنوان نشانه هایی از یک عملیات روانی جدید قابل ارزیابی است و هدفش ساختن تصویری از ایران است که گو یا تحت فشار عقب نشینی کرده و به دنبال میانجی گری است تا با آمریکا توافق کند.

وزن عون برای روایت سازی زیاد نبود

دیروز جوزف عون، رئیس جمهور لبنان بعد از ماه ها سکوت تصمیم گرفت روایتی شخصی از دیدارش با علی لاریجانی ارائه دهد. او مدعی شد که در ملاقات با علی لاریجانی (روز ۲۲ مرداد سال جاری) با لحنی تند سخن گفته و به او یادآور شده که «مدیریت جامعه شیعی لبنان با اوست نه با ایران.» ادعایی که نه با سیاست قدرت لبنان سازگار است، نه با شواهد آن دیدار. ریاست جمهوری لبنان حتی در بهترین حالت نقشی محدود در مدیریت واقعی جریان های سیاسی دارد و جامعه شیعی لبنان شبکه ای مستقل و ریشه دار است که مدیریت آن خارج از توان تأثیرگذاری فردی مانند عون است. انتخاب زمان طرح این ادعا نیز کاملاً معنادار است؛ روایتی ناگهانی از دیداری قدیمی که دقیقاً با موج رسانه ای تلاش برای القای فاصله گرفتن متحدان منطقه ای از ایران هم زمان شده است. دیداری که عون به آن اشاره می کند مدت ها قبل انجام شده و نه نشانه ای از تنش در آن جلسه وجود داشته و نه رسانه های لبنانی یا ایرانی چنین چیزی روایت کرده اند. حتی تصاویر همان سفر، خلاف ادعای کنونی او را نشان می دهد. لاریجانی در

عادی سازی به شرط و شروط؟

خبر مهم تری که در میسان هیاهوی خرید اف ۳۵ کمتر مورد توجه قرار گرفت، پیوستن عربستان به توافق نامه ابراهیم بود. موضوعی که از دوره اول ریاست جمهوری ترامپ دغدغه او بود و شروع جنگ غزه تحقق آن را به تأخیر انداخت. بن سلمان در جریان نشست خبری مشترکی که با ترامپ داشت، گفت: «ما می خواهیم بخشی از این ساختار باشیم؛ اما باید مطمئن شویم که مسیر روشنی برای دو دولت تضمین می کنیم. امروز ما بحث سازنده ای با آقای رئیس جمهور داشتیم که روی این موضوع کار خواهیم کرد تا مطمئن شویم بتوانیم موقعیت را در اسرع وقت برای دستیابی به آن آماده کنیم.» ترامپ هم در پاسخ گفت، گفت و گوی خوبی با بن سلمان داشته و رو به بن سلمان گفت: «فکر می کنم شما دیدگاه بسیار خوبی نسبت به توافق نامه ابراهیم دارید.» البته این صحبت های بن سلمان که اظهار تمایل ضمنی برای پیوستن به پیمان نامه ابراهیم بود، جور دیگری در رسانه های سعودی بازتاب پیدا کرد. درحالی که بن سلمان در بخشی از صحبت هایش در مورد جنگ غزه گفت «ما صلح برای اسرائیلی ها و فلسطینی ها را می خواهیم و می خواهیم با هم زیستی در منطقه زندگی کنیم و روزی برسند که این هدف محقق شود.» اما تلویزیون سعودی این صحبت ها را این طور منتشر کرده: «مهم است که مرحله ابتدایی صلح در نوار غزه، برای فلسطینی ها و همه حوزه های دیگر بررسی شود.» سانسور این بخش از اظهارات و صحبت های بن سلمان این گمانه را تقویت می کند که عربستانی ها در مورد واکنش احتمالی افکار عمومی در عربستان و البته واکنش کشورهای عربی همچنان نگرانی هایی دارند.

فروش جنگنده در ازای عادی سازی؟

امضای توافق نامه استراتژیک تاریخی و گفت و گو در مورد توافق نامه ابراهیم را نمی توان بی ارتباط با یکدیگر دانست. اگر چه علی رغم آنچه

آمریکاسعودی این جملات را به عنوان نشانه ای از «چرخش تهران» و «تمایل ایران به عقب نشینی» برجسته کردند. چند ساعت بعد، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران با لحنی صریح، ادعای ترامپ را نه تنها رد کرد، بلکه گفت «هیچ فرایند مذاکراتی میان تهران و واشنگتن در جریان نیست.» او توضیح داد پیام رئیس جمهور ایران به بن سلمان یک موضوع کاملاً دوجانبه و در چهارچوب همکاری های مربوط به حج بوده و هیچ نسبتی با مذاکره یا تبادل پیام با آمریکا ندارد. از طرفی تهران نه نیازی به ارسال پیام از طریق ریاض دارد و نه شرایط اعلام شده از سوی طرف مقابل به نحوی است که بخواهد تن به مذاکره تحمیلی بدهد. آمریکا و عربستان در شرایطی از «تمایل ایران به توافق» گفتند که خودشان بیش از هر زمان به این روایت نیاز داشتند: آمریکا برای توجیه سیاست نظامی اخیرش و سعودی برای نشان دادن نقش خود به عنوان بازیگری مؤثر در تعاملات منطقه ای. ترامپ می خواست از حملات اخیر علیه ایران مشروعیت سازی کند؛ حملاتی که او در همان نشست از آن با افتخار سخن گفت و ادعا کرد «بهترین تجهیزات و بهترین خلبانان» لبنان را اجرا کرده اند. بن سلمان نیز از فرصت استفاده کرد تا نشان دهد کشورش نه تنها سرمایه گذار اصلی آینده آمریکا در حوزه فناوری های حساس خواهد بود، بلکه نقش «میانجی منطقه ای» را هم برعهده دارد. در پس این ادعاها تلاشی بود برای القای این تصور که ایران دست پایین را دارد و ناچار است از طریق عربستان به واشنگتن پیام بدهد. این خط رسانه ای به سرعت از سوی رسانه های ضد ایرانی در منطقه منتشر شد و حتی برخی رسانه های داخلی ناآگاهانه همان روایت را بازپخش کردند؛ روایتی که اساس آن بر ادعایی بود که هیچ سند و یا کاتال رسمی برای آن وجود ندارد. نکته مهم این است که تهران نه تنها نیازی به واسطه گری عربستان ندارد، بلکه به نظر می رسد ریاض به دلیل نوع رفتار هایش صلاحیت ایفای چنین نقشی را تا به امروز پیدا نکرده است.

شکست عملیات جدید علیه افکار عمومی

برخلاف این تصویر سازی هیچ کدام از ایسن ادعاها در میدان واقعیت مصداقسی ندارند. ایران اعلام کرده «هیچ روندی در جریان نیست» و تهران همان موضع اصولی را تکرار می کند. از سوی دیگر کارگردان هر دو نمایش «اثرگذاری بر افکار عمومی داخل ایران» را هدف قرار داده است. روایت سازی عون از جنس خیر سازی بود و بنا داشت چنین القا کند که ایران در وضعیت طرد شدگی قرار دارد و ناچار باید به مذاکره بازگردد. ترامپ و بن سلمان هم ادامه دادند و روایتی با هدف شرطی سازی جامعه طراحی کردند تا پس از یک دوره انتظار فرسایشی زمینه نارضایتی داخلی فراهم شود. اما هیچ یک از این دو خبر در فضای اجتماعی ایران چندان مورد توجه قرار نگرفت.

